

روشنیت
مکتب



www.ketab.ir

اسطوره دریا

نگاهی به خاطرات مرزبان
شهید مسعود پرگاس

بهزاد پودات

محمد رضا پاک نهاد

اسطوره دریا

سرشناسه: بودات، بهزاد، ۱۳۵۷.
عنوان و نام پدیدآور: اسطوره دریا، نگاهی به خاطرات مرزبان شهید مسعود
پرکاس، بهزاد بودات، محمدرضا پاک نهاد
مشخصات نشر: بندرعباس، نشر سمت روشن کلمه، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۶۶ ص ۱۴/۵ در ۲۱/۵ س.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۷۳-۸۸-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: نگاهی به خاطرات مرزبان شهید مسعود پرکاس
موضوع: پرکاس، مسعود، ۱۳۶۳-۱۴۰۲.
موضوع: شهیدان -- ایران -- بندرعباس -- بازماندگان -- خاطرات
Martyrs -- Iran -- Bandar Abbas -- Survivors -- Diaries
شهیدان -- ایران -- بندرعباس -- سرگذشتنامه
Martyrs -- Iran -- Bandar Abbas -- Biography

شابک: DSR ۱۶۲۶

رده: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتاب: ۹۳۷۴۳۴۵

اطلاعات رکن: فیا

شناسه افزوده: پاک نهاد، رضا، ۱۳۶۷-

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل

حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان هرمزگان

مؤلف: بهزاد بودات

محمدرضا پاک نهاد

ناشر: سمت روشن کلمه

مدیر مسئول: یداله شهرجو

مدیر اجرایی: هانا زارعی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۷۳-۸۸-۴

صفحه آرا: زهرا عاشوری

طراح جلد: مهسا موسی زاده

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: ایرانیان

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰/۰۰۰ تومان



بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی

شمالی، کوچه جاودان ۰۴، پست کلینیک

دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم

تلفن: ۰۷۶۳۲۲۱۰۵۱۷ - ۰۹۱۷۳۶۵۷۰۵۰

Samtroschan@gmail.com

instagram.com/samt_roshan

www.samteroschan.com

مقدمه	۷
زندگی شهید در روایتی کوتاه	۱۳
شهید به روایت خانواده	۱۵
پدر	۱۷
مادر	۲۳
شهید به روایت همکاران و هم‌زمان	۲۵
راوی: سرتیپ دوم عبدالله لشکری (جانشین فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان)	۲۹
راوی: حاجت‌الاسلام حسین رستاخیز (ریاست عقیدتی سیاسی پایگاه دریایی بندرعباس)	۳۲
راوی: سرهنگ فرهاد شاهسون (جانشین پایگاه دریایی بندرعباس)	۳۳
راوی: سرگرد محمدرضا پاک‌نهاد (سرپرست دفتر تحقیقات فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان)	۳۵
راوی: سروان سید مرتضی اولاد علی (معاون فرهنگی اجتماعی فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان)	۳۷
راوی: سروان عباس داریوشی (جمعی ناوگروه شناوری پایگاه دریایی بندرعباس)	۴۰
راوی: ستوان یکم مصطفی قبادی جمعی نیروی انسانی (پایگاه دریایی بندرعباس)	۴۲

- ۴۴ راوی: ستوانیکم محمد رسول عباسی
- ۴۵ راوی: ستوان یکم، علی زمانی (سرپرست تربیت بندی فرماندهی
مرزبانی استان هرمزگان)
- ۴۹ راوی: ستوان دوم مصطفی جمعه پور، جمعی فرماندهی
پشتیبانی قرارگاه (پایگاه دریایی بندرعباس)
- ۵۱ راوی: ستوان دوم علی آب شکر جمعی پایگاه دریابانی بندر
جاسک
- ۵۴ راوی: استوار دوم حسن زندانی (جمعی تجهیزات دریایی)
- ۵۵ راوی: گردان یکم امیر حسین تنیده جمعی عقیدتی
شیعیان فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان
- ۵۶ راوی: علیرضا شناور
- ۵۷ راوی: نادر حیدری (جمعی تجهیزات دریایی)
- ۵۹ شهید به روایت...

مقدمه

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا، بل احياء عند ربهم يرزقون (سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۹).

سلام و صلوات خدا بر سید اصحاب آخرالزمانی ولی عصر (عج)، سلام بر ذوب شده های مکتب امام حسین (ع) و بر مردان برومند اسلام و انقلاب نور.

سلام بر شهدایی که چراغ راه و ستاره شدند تا ما راه را گم نکنیم، سلام ناب و خالص بر سربندهای سرخ و سبز و چفیه های سفید و ماه روزهای عاشقی و دلدادگی، سلام بر خاک ریزهای پر از دل تنگی و غربت.

سلام بر رمل های تشنه و قرآن های جیبی رزمندگان اسلام. سلام به دل مضطرب زمین در عملیات کربلای پنج، والفجر هشت و ...

سلام بر قلب های باصلابت روزهای آتش و خون، دود و باروت.

سلام بر مردان شلعه پوش و شعله نوش. سلام بر براده های آهن در هشت سال دفاع مقدس. سلام خدا و ملائکه ی مقربش بر اسطوره های انقلاب و جنگ.

جنگ تاریکی و نور هیچ گاه تمام نشود. جنگ سرسپرده ها و دل سپرده ها هیچ زمانی خاتمه پیدا نمی کند.

دل سپرده ها به دنیای تاریک و فریبنده و سرسپرده ها به خدا و وعده های شیرینش.

دیروز جنگ بود و امروز هم جنگ. زشتی همیشه هست، پلیدی همیشه ساری و جاری است؛ اما نباید فراموش کرد که زیبایی و پاکی هم جریان دارد. هیچ دستی و هیچ اراده‌ای نمی‌تواند جلوی نور را بگیرد. نور خداست، نور اهل بیت عصمت و طهارت هستند.

این وعده‌ی خدا در سوره صف است که: (یریدون لیطفوا نور الله بافواههم والله متم نوره و لو کره الکافرون)

اگر بخواهم از شهدای مرزبان و شهدای بی‌نام‌ونشان امنیت سخن بگویم مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

امروز جنگ فقط پشت خاک‌ریز نیست، جنگ دامنه‌اش را گسترش داده و به شهر، کوچه، محله و حتی خانه‌ها کشانده است.

جنگ با سوداگران مرگ و قاچاقچیان ریز و درشت و مافیای انواع و اقسام مواد افیونی.

نیروهای مرزبان سال‌های سال است که با توکل به خدا و توسل به اهل بیت (ع) در نوک پیکان و خط مقدم به انجام وظیفه مشغول‌اند.

گواه این مدعی، شهدای مظلومی است که تقدیم انقلاب و آرامش و آسایش مردم کرده‌اند.

شهدایی که لباس مقدس مرزبانی کفنشان شد، لباس و کفنی که همیشه بر تنشان بوده و هست و همه‌جا با آن‌هاست.

مرزبان‌هایی که از خانه، زن و فرزند، آسایش و آرامش خودشان گذشتند تا دیگران در امنیت و آرامش و آسایش باشند.

مرزبانانی که بی‌هیچ چشم‌داشتی جان خود را در کف دست گرفتند و به دل خطر زدند.

از مرزبان شجاع سرزمین نم و شرجی و مهد مردان دلیر و غیور در خطه خلیج فارس سخن می‌گویم، از مسعود پرکاس می‌گویم که پدرش از راز نماز

شب‌هایش و عبادت شبانه مسعود با معبودش در تنهایی خودش حکایت‌ها دارد.
از چشمان زیبای مسعود می‌گوییم که همیشه میان تلاطم امواج و تاریکی
شب‌های خلیج تا ابد فارس و پهنه آبی هرمزگان بیدار بود.

از دستان تاول‌زده مسعود می‌گوییم که سکان شناور را بر دست می‌گرفت و
پاهایی که چون سروی قوی ایستاده بود تا کسی به این سرزمین و مردمانش نگاه
چپ نکند.

آری از مسعود پرکاس سخن می‌گوییم، شیر مرد جوانمرد هرمزگانی که برای
آب‌و خاک این سرزمین از خون خود گذشت تا وطن باقی بماند.

مسعودی که شجاعانه از مرزهایمان دفاع کرد و میان موج و خون دست‌وپا زد
و جاودانه شد.

شهادت برای مرزبانان اسلام و مجاهدان فی سبیل‌اللهی چون مسعود پرکاس
عزت ابدی فخر اولیا و رمز پیروزی است و بدون تردید شهید مظلوم مسعود پرکاس
و چهل شهید مظلوم مرزبانی استان هرمزگان اسوه‌های مقاومت و ایستادگی و
سمبل مبارزه با پلیدی‌ها و فزون‌طلبی سوداگران مرگ و قاچاقچیان هستند که
همواره عرصه زندگی را مطمع آمال و اعمال ننگین خود نموده‌اند.

قطعاً امواج خروشان خلیج فارس و قله‌ها و ارتفاعات جاسک و کوه مبارک
تا سیریک بوموسی و میناب و قشم و لنگه و بندرعباس، اگر زبان بگشایند،
شنیدنی‌های افسانه‌گون از ایمان راسخ و رشادت‌های مسعود پرکاس را دارند.

مسعود پرکاس دلیر مردی بود که در همین آب‌و خاک بندرعباس به دنیا آمد و
باغیرت و مردانگی که از مردان باغیرت خطه جنوب به ارث برده بود بزرگ شد و با
عشق به ولایت در راه حفاظت از مرزهای اسلامی و ناموس و امنیت در راه مبارزه
با قاچاقچیان و سوداگران مرگ دلیرانه جنگید و در نهایت برگزیده شد تا نامش
همواره بر قله‌های شهامت ماندگار بماند.

آری از مرزبانان مظلوم چون شهید پرکاس می‌گوییم که حضورشان در همه

پهنه آبی هست اما دریغ از یادشان، از مظلومان مقتدری سخن می‌گوییم که سرشان چون سر شکافته مسعود برای امنیت و آرامش می‌شود سپر تیر و تیزی اشرار و سوداگران مرگ و به‌وقت امنیت دلشان می‌شود سیبل تیر نوع افکار و طرز رفتار و به‌وقت کسب وجهه و اعتبار می‌شود آماج طعنه‌های برخی افراد دنیا زده و منفعت‌طلب و قدرت‌طلب روی صحبت‌ها با ساکتان فتنه‌ای است که در غبار فتنه و تنهایی ولی و فرمانده و مقتدایمان، به مصلحت زبان در کام فرو بستند و بعد از جان‌فشانی شهدای امنیت و فرو نشستن فتنه، تبیین‌گر و مفسر و وطن‌پرست شدند. از کسانی سخن می‌گوییم که به مسعود و مسعودهایمان در زمان اجرای قانون و جان‌فشانی طعنه می‌زدند و به‌وقت شهادت به عکسش بوسه می‌زدند.

مرزبانان، آی هم‌زمان شهید پرکاس؛ فراموش نکنید و به یاد آوردید آن شب‌های را که مسعود در میان موج‌های پرتلاطم دریا، با بدن خسته و چشم‌های خسته از بی‌خوابی تا صبح در کمین اشرار و قاچاقچیان بود.

به یاد بیاوریم در اوج تابستان در پهنه خلیج فارس بر روی شناور گلف، وقتی مسعود تشنه می‌شد، صدا می‌زد یا ابا الفضل (ع) یا ابا الفضل (ع)...

به یاد بیاوریم وقتی مسعود در اوج خستگی تکیه بر سکان شناور می‌زد و می‌گفت یا رب ارحم ضعف بدنی، نیازهای تالاب و خوریات هرمزگان وقتی زمزمه مسعود را می‌شنیدند، از خجالت سر تعظیم فرود می‌آوردند.

آری جلوه‌های دفاع مقدس همچنان در مرزبانی جاری و مرزبانان ادامه‌دهندگان راه رزمندگان هشت سال دفاع مقدس هستند.

بشکند قلمی که ننویسد بر مسعود و مرزبانان هرمزگانی چه گذشت!

بریده باد زبانی که ناجوانمردانه به این مردان آسمانی که برای امنیت و اجرای قانون از جان خود هم دریغ نمی‌کنند، طعنه می‌زنند و نفرین بر منفعت‌طلبانی که به خاطر مطامع پوچ دنیوی خود، چشم بر حقیقت می‌بندند.

وای بر ما که آسوده بخوابیم و قلم را غلاف کنیم و زبان در کام فروبریم وقتی که

هنجارشکنتان و ناامیدکنندگان چاقو از غلاف کشیدند و شرم را بهزانو نشانده و سربریدن و بی‌محابا به مرزبانان و مدافعان امنیت و وطن طعنه می‌زنند. این کتاب روایتی کوتاهی است از زندگی یکی از مرزبانان مخلص و متعهد که جان‌ش را فدای ملت و انقلاب کرد.

مرزبان شهید سرهنگ مسعود پرکاس. شهیدی که نام و خاطره‌اش هیچ‌گاه از ذهن مردم استان هرمزگان و همکارانش پاک و فراموش نخواهد شد. شهیدی که اسطوره، الگو و اسوه بود. شهیدی که در نماز شبش بزرگ‌ترین هدیه را از خدا گرفت؛ و به‌راستی چه هدیه‌ای بالاتر و زیباتر از شهادت و حیات ابدی و زندگی جاویدان. از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را در ادامه‌ی راه شهدا مصمم و ثابت‌قدم بدارد. از ذاتم‌آقدس او خواستاریم که دستمان را بگیرد تا از مسیر و کانال شهدا دور نشویم و راه را اشتباه نرویم.

امید که عاقبت همه‌ی خادمین اسلام و انقلاب ختم به خیر و سعادت گردد. از خداوند متعال عاجزانه می‌خواهیم تا شهدا را شفیع ما قرار دهد و به ما توفیق خدمت عنایت بفرماید.

خادم الشهداء: بهزاد بودات

○○○